



ب: خشونت علیه زنان

- اسناد بین‌المللی حاکم بر منع خشونت علیه زن/ علی پیام
- نقش سنن و رسوم اجتماعی در ایجاد خشونت خانگی علیه زنان در افغانستان/ محمد قاسم الیاسی تُرگانی
- بازنمایی مظلومیت زنان جهان و افغان در اشعار محمد شریف سعیدی/ داکتر محمد ظاهر فائز
- بررسی وضعیت خشونت علیه زنان در افغانستان/ داکتر مهری رضایی

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

اسناد بین‌المللی حاکم بر منع خشونت علیه زن

علی پیام*

چکیده

خشونت علیه زنان یکی از مسائل و مبانی حقوق بشری است که می‌تواند تبعات منفی در سطح روان جامعه بگذارد. آنچه که در این جا مورد بحث قرار گرفته است، پژوهشی است راجع به اسناد حقوقی بین‌المللی حاکم بر منع خشونت علیه زن. به بیان دیگر، اسناد حقوقی بین‌المللی نشان می‌دهند که برای منع خشونت علیه زن در سطح جهان، تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است. در این تحقیق، مقاله‌نامه‌ها، کمیته‌هایی که در راستای حقوق زن کار می‌کنند، قطع‌نامه، اعلامیه و قرارداد معرفی و تبیین صورت گرفته، تا وجوه فعالیت‌های جامعه جهانی برای امحای خشونت علیه زنان در سطح جهان را بیان کند.

واژگان کلیدی: افغانستان، خشونت، خشونت علیه زن و اسناد بین‌المللی.

تعریف خشونت

یکی از واژگان کلیدی، خشونت^۲ است که در این جا لازم است تا این کلمه معنا شود.

* حقوق‌دان، نویسنده و پژوهشگر.

خشونت در لغت فارسی: خشونت به معنای «درشتی و زبری (ناظم الاطباء)، ضد لینت و نرمی، خلاف نعومت، غلظت (از ناظم الاطباء): خشونت این کلمه مؤثر آمد و او را بگرفتند و به خوارزم فرستادند (از ترجمه یمینی). امیر عضدالدوله با جلالت قدر و نباهت ذکر و خشونت جانب و عزت ملک و نخوت پادشاهی، همواره رضاء آن جانب نگاه داشتی (از ترجمه یمینی)، سختی و تندى و تیزی (ناظم الاطباء): از سر حدت مزاج و خشونت طبع بر لجاج اصرار نمود (ترجمه تاریخ یمینی)، سخت رویی، خشم، غضب (از ناظم الاطباء): بقالی را درمی چند بر صوفیان گرد آمده بود در اواسط هر روز مطالبه کردی و سخن های (دهخدا، بی تا، vajehyab.com) آمده است.

بنابراین، واژه خشونت عبارت است از درشتی و ناروایی در حق کسی که در این تحقیق مورد نظر ما خشونت علیه زنان است که خشونت علیه زنان را در زیر تبیین می کنیم.

دانستن تعریف خشونت علیه زنان، یکی از بخش های ضروری کار است. البته تعاریف بایستی روی مبانی و معیار باشد و از منابع مهم و قابل اعتبار گرفته شده باشند. به هر صورت، «بر اساس تعریف مجمع عمومی ملل متحد، خشونت علیه زنان عبارت است از هرگونه عمل خشونت آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی، جنسی یا روانی زنان شود. جبر و سلب مستبدانه آزادی های زنان، چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی، خشونت علیه زنان عنوان شده است.» (رادیو آزادی، ۱۳۸۹: da.azadiradio.com).

بنابراین، هر عملی خشونت آمیز که بر پایه جنسیت باشد، بر اساس تعاریف و مبانی، از مصادیق خشونت علیه زنان به حساب می آید؛ خشونتی که منجر به آسیب علیه زن گردد.

اسناد بین المللی که مدار اعتبار است، از جمله اعلامیه جهانی منع خشونت علیه زنان، چنین تعریف کرده است. در این اعلامیه، خشونت علیه زنان چنین تعریف شده است: «خشونت علیه زنان عبارت است از هر عمل خشونت آمیز بر اساس جنس، که به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر شود» (سازمان ملل متحد، قطع نامه شماره ۸۴/۱۰۴)؛ بنابراین، خشونت علیه زنان دارای سه عنصر تعریف شده است که عرصه های

مختلف زندگی یک انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: جسم، روان و جنسی.

اعلامیه ۱۹۹۳ سازمان ملل متحد نیز همین تعریف را مدنظر قرار داده و اعلام کرده است: «هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر خشونت علیه زنان به واسطه جنس^۱ که باعث بروز صدمات و آسیب‌های جسمی، جنسی و روانی و رنج و آزار و تهدید علیه آن‌ها شود که منجر به محرومیت زنان در اجتماع گردد، خشونت تلقی می‌شود.» (افشار نادری، ۱۳۹۵).

البته اعلامیه ۱۹۹۳ سازمان ملل، علاوه بر تعریف سازمان ملل متحد، اضافه کرده است که خشونت جنسی علاوه بر آسیب‌های وارده بر جسم، جنسی و روانی، به محرومیت زنان از اجتماع نیز می‌گردد.

۱. مصادیق خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان دارای مصادیق خارجی زیادی است که فرقی نمی‌کند در کدام ساحة جغرافیایی موقعیت داشته باشد. بر این اساس بر اساس یافته‌های هیئت معاونت سازمان ملل متحد (UNAMA) و کمیشنی عالی سازمان ملل متحد در افغانستان، «واقعیت برای اکثر قربانیان زن موارد نقض حقوق بشر این است که نهادهای دولتی نمی‌توانند از آن‌ها دفاع کنند. هیچ موضوعی این را به اندازه خشونت جنسی و مخصوصاً تجاوز به روشنی نشان نمی‌دهد.» (UNAMA و OHCHR، 2009: 7).

بدین معنا که خشونت در خانواده‌ها دلایل مشخص و معین خودش را دارد. تحقیقات نشان داده است که «مصادیق این خشونت عبارت‌اند از: خشونت جنسی، جسمی و روانی در خانواده^۲ که در خانه صورت می‌گیرد و زنان به‌خاطر ضعف مسائل فرهنگی کشورها، آن را اعلام نمی‌کنند؛ به همین علت، بالاترین آمار خشونت علیه زنان نیز محسوب می‌شود، اعم از کتک‌زدن، سوءاستفاده جنسی از کودکان دختر؛ خشونت مربوط به جهیزیه (هند- بنگلادش)؛ خشونت‌های زناشویی و تجاوز، ختنه زنان (در بعضی از استان‌ها و قبایل ایران چون کردستان

1. Gender.

2. domestic violence.

و خوزستان که نه قوانین منع‌کننده و نه قوانین تأییدکننده برای آن وجود ندارد؛ در حالی که مثلاً در آمریکا ختنه زنان ۵ سال زندان برای عامل ختنه در نظر گرفته شده است)، تدفین زن پس از مرگ شوهر (در بعضی قبایل هند)؛ خشونت‌های مربوط به استثمار و بهره‌کشی از زنان (حاملگی اجباری، بهره‌کشی جنسی از زنان در صربستان)، عقیم کردن اجباری (جنگ جهانی اول اسیران زنان چینی توسط ژاپنی‌ها).» (افشار نادری، ۱۳۹۵).

منابع مطالعاتی، خشونت علیه زنان را به سه قسم تقسیم‌بندی کرده است که هر یک آن‌ها به تقسیمات دیگر تقسیم‌بندی می‌شود: «خشونت‌های جسمی: کتک‌زدن، سوزاندن بدن، شکنجه، اسیدپاشی و غیره؛ خشونت‌های جنسی: از کوچک‌ترین سوءاستفاده جنسی چون متلک و ناسزاگفتن و نگاه نامناسب گرفته تا بالاترین سوءاستفاده که تجاوز است؛ خشونت‌های روانی: بی‌اعتنایی، توهین، تحقیر، محدودیت زنان در محیط‌های خانه و اجتماع و سوءاستفاده در محل کار و مؤسسات آموزشی و... خشونت جسمی، جنسی و روانی توسط دولت‌ها که به‌طور سیستماتیک توسط دولت‌ها، جنگ‌ها و مناقشات مسلحانه صورت می‌گیرد و یا تصویب قوانین و تأیید رفتارهای خشن نسبت به زنان.» (افشار نادری، ۱۳۹۵).

علاوه بر دیدگاه و مطالعات و تحقیقات، قانون‌گذاران نیز مصادیقی برای خشونت علیه زنان را شمارش کرده و موارد آن را به وضوح بیان کرده است؛ به‌طور مثال: بر اساس قانون منع خشونت علیه زنان افغانستان، ارتکاب اعمال ذیل علیه زن، خشونت شناخته می‌شود:

۱. تجاوز جنسی؛
۲. مجبورنمودن به فحشاء؛
۳. ضبط و ثبت هویت مجنی‌علیها و نشر آن به‌نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند؛
۴. آتش‌زدن یا استعمال مواد کیمیایی، زهری و یا سایر مواد ضررناک؛
۵. مجبورنمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک؛
۶. مجروح یا معلول نمودن؛
۷. لت و کوب؛

۸. خرید و فروش به‌منظور یا بهانه ازدواج؛

۹. بددادن؛

۱۰. نکاح اجباری؛

۱۱. ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج؛

۱۲. نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛

۱۳. دشنام، تحقیر و تخويف؛

۱۴. آزار و اذیت؛

۱۵. انزوای اجباری؛

۱۶. اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر؛

۱۷. منع تصرف در ارث؛

۱۸. منع تصرف اموال شخصی؛

۱۹. ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛

۲۰. کار اجباری؛

۲۱. ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (۸۶ قانون مدنی)؛

۲۲. نفی قرابت. «(قانون منع خشونت علیه زن: ۵)».

۲. آمار خشونت علیه زنان در جهان

خشونت علیه زنان در سطح جهان گسترده است. خشونت انواع و اقسامی دارد که از جمله می‌توان به خشونتی از نوع ازدواج زیر سن نام گرفت؛ مثلاً «بر اساس گزارشی که سازمان نجات کودکان منتشر کرده، هر ۷ ثانیه یک دختر زیر ۱۵ سال ازدواج می‌کند. هند، یکی از کشورهایی است که بالاترین آمار ازدواج دختر بچه‌ها را دارد.» (رادیو زمانه ۱۳۹۵،

radiozamaneh.com).

آن‌گونه که سازمان ملل متحد اعلام کرده است، «از هر ده زن در جهان، ۷ نفر آن و از هر چهار زن حامله یکی آن مورد خشونت قرار می‌گیرد» (سمیعی، ۱۳۹۲، www.darivoo.com). طبق آمار، تنها در قاره آسیا «در بنگلادش بیش از ۵۰ درصد قتل‌ها ناشی از خشونت مردان است. ۴۱ درصد زنان هند بر اثر آزار جسمی شوهران خود دست به خودکشی می‌زنند. بر اساس آمار یونیسف، در هند بیش از دو میلیون نفر زن خیابانی وجود دارد که بیش از نیم میلیون نفر آن‌ها زیر سن قانونی هستند و هیچ نوع حمایتی در مقابل انواع خشونت‌ها و برخوردهای شدیدی که با آن روبه‌رو می‌شوند، ندارند. دولت هند رسماً اعلام کرد طی ۲۰ سال گذشته، ۱۰ میلیون نوزاد دختر توسط والدین‌شان به قتل رسیده‌اند» (مجله الکترونیکی، ۱۳۹۵: vista.ir).

خشونت علیه زنان در تمامی کشورها به یک بحران تبدیل شده است. این بحران دامن‌گیر بخشی از جامعه بشری را تشکیل داده است. مثال: «آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهند از هر پنج دختر در جهان، یک نفر مورد آزار و اذیت‌های جنسی قرار می‌گیرد و یک چهارم کودکان جهان مورد آزار و اذیت‌های فیزیکی قرار می‌گیرند. به اعتقاد یکی از اعضای برنامه توسعه ملل متحد، خشونت در جوامع و خشونت‌های خانگی، توانایی افراد را تضعیف می‌کند و این موضوع مانع از رشد مناسب انسان‌ها می‌شود و هم‌چنین توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها را به خطر می‌اندازد» (ساعت ۲۴، ۱۳۹۳: www.saat24.com).

برخی منابع آماری نشان می‌دهند که «هر سال در سراسر جهان، ۴۰۰۰ زن به دلیل خشونت خانگی جان خود را از دست می‌دهند. سلامت‌نیوز: مرگ سالانه ۴۰۰۰ زن بر اثر خشونت خانگی در جهان.» (سلامت‌نیوز، ۱۳۹۵: salamatnews.com). هم‌چنین آمارها نشان می‌دهند که تلاش‌های جامعه جهانی در جهت ارتقا و بهبود حقوق زنان و رهایی زنان از خشونت تناسب ندارد؛ یعنی با این همه تلاش‌ها هنوز جامعه زنان از خشونت رهایی نیافته است.

گزارش سازمان ملل حاکی است که «سرمنشی سازمان ملل متحد نگرانی خویش را در شورای امنیت آن سازمان در پیوند با ۲۰ درصد افزایش تلفات زنان و دختران در پایان سال

۳. تلاش‌های بین‌المللی و حقوق زن

اسناد حقوقی ناظر بر منع خشونت علیه زنان

اسناد بین‌الملل از نظر الزام‌آوری به دو دسته تقسیم می‌شوند. از میان اسناد بین‌المللی، سندی که بی‌شک هدف از آن ایجاد تعهد الزام‌آور است، عهدنامه می‌باشد. عهدنامه را برخی از نویسندگان، رسمی‌ترین شکل قرارداد برای ثبت موافقت‌نامه‌های جامعه بین‌کشورها در باره امور اساسی تعریف کرده‌اند (مقتدر، ۱۳۸۶: ۲۷۴). با توجه به الزام‌آوردن اسناد بین‌المللی جهت شناسایی منابع و اسناد حقوقی بین‌المللی، هریک از این منابع تبیین و معرفی می‌گردد.

۱. مقاله‌نامه حقوق سیاسی زنان

مقاله‌نامه حقوق سیاسی زنان^۱ در سال ۱۹۴۵ در سازمان ملل متحد بنیان‌گذاری شد. تنها در ۳۰ کشور از ۵۱ عضو اولیه سازمان ملل متحد به زنان حق رأی مساوی با مردان داده شده بود. در سال ۱۹۴۶، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، توصیه کرد که همه دول عضو به زنان حقوق سیاسی با مردان بدهند. در سال ۱۹۵۲، مجمع عمومی سازمان ملل به توصیه کمیسیون زنان، مقاله‌نامه حقوق سیاسی زنان را تصویب کرد. این اولین معاهده جهانی بود که در آن دول عضو متعهد می‌شوند حقوق سیاسی به اتباع خود بدهند و این اولین بار بود که اصل مندرج در منشور ملل متحد راجع به تضمین حقوق مساوی جهت زنان و مردان در یک مسأله مشخص اعمال می‌گردید. اصول مقاله‌نامه مذکور عبارت‌اند از:

۱. حق رأی زنان در کلیه انتخابات با شرایط مساوی با مردان بدون هر گونه تبعیض؛
۲. امکان انتخاب شدن زنان به کلیه مشاغل انتخابی عمومی به موجب قانون ملی در شرایط مساوی با مردان و بدون هر گونه تبعیض؛

1. (women) of right political the on conven.

۳. ذی‌حق‌بودن زنان برای احراز کلیه مشاغل دولتی در شرایط مساوی با مردان و بدون هرگونه تبعیض در کلیه امور عمومی (آقایی، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

۲. کمیسیون مقام زن

کمیسیون مقام زن^۱ از جمله ارگان‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد است که یکی از کمیسیون‌های ویژه شورای اقتصادی و اجتماعی آن سازمان، که توسط همین شورا با قطع‌نامه ۱۱ در سال ۱۹۴۶ تأسیس گردید، تا در موضوعات مربوط به ارتقای حقوق زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گزارش‌هایی را برای شورای اقتصادی و اجتماعی تهیه کند و در زمینه مسائلی که توجه فوری را می‌طلبد، توصیه‌های خود را به شورا بدهد. اعضای کمیسیون به وسیله شورای اقتصادی و اجتماعی انتخاب می‌شوند و توزیع جغرافیایی آن‌ها به صورت زیر است:

۱. ۱۳ عضو از آفریقا؛
۲. ۱۱ عضو از آسیا؛
۳. ۴ عضو از کشورهای اروپای شرقی؛
۴. ۹ عضو از آمریکای لاتین و حوزه کارائیب؛
۵. ۸ عضو از اروپای غربی و دیگر کشورها (حقوق بشر در اسناد بین‌المللی).

۳. کمیته رفع تبعیض علیه زنان

این کمیته از ارگان‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد است که بر اساس ماده ۱۷ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان جهت پیشرفت‌های حاصله در مورد اجرای مقررات کنوانسیون مربوط و رسیدگی به گزارشات دولت‌های عضو در این زمینه تشکیل شده است.

۴. قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش نسوان و کودکان

این قرارداد در ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۱ در جامعه ملل منعقد شد و جهت حمایت از نسوان و

1. Women of status the of commission.

کودکان مواردی را به تصویب رساندند که از جمله تعهد دول متعاقد مبنی بر مجازات معامله نسوان و کودکان و حمایت از نسوان و کودکان را می‌توان نام برد.

۵. قرارداد بین‌المللی جلوگیری از معامله نسوان کبیره

قرارداد بین‌المللی جلوگیری از معامله زنان کبیره در زمان جامعه ملل منعقد گردیده است و تاریخ انعقاد آن مورخه ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ است. در ماده ۱۳ آن آمده است: «هرکسی برای شهوت‌رانی دیگری زن یا دختر کبیری را ولو با رضایت خودش برای فسق در مملکت دیگری اجیر و جلب و یا از راه عفت منحرف سازد و با عملیات مختلفه که مبنای جرم محسوب می‌شود، در ممالک دیگر صورت گرفته باشد، باید مجازات شود» (قرارداد بین‌المللی جلوگیری از معامله زنان کبیره، جامعه ملل: ۱۳).

گذشته از مصوبات بین‌المللی، یک‌سری توجّهات بین‌الدولتی نیز صورت گرفته است، در راه زندگی مطابق شأن و کرامت زنان کمیسیون‌های زیر نیز قابل توجه در زمینه بهبود و ارتقای حقوق زن در سطح کشورهاست:

۶. کمیسیون آمریکایی زنان

قراردادها و مصوبات جهانی دیگر نیز صورت گرفته‌اند که به‌نحوی از انحنا به مسأله حقوق زنان، حقوق بشر، مقام و موقعیت و وضعیت آنان توجه کرده‌اند و به‌عنوان منابع قابل استناد به حقوق زنان است، چه به‌نحو صریح و یا به‌نحو ضمنی که لزومی به ذکر آن‌ها دیده نمی‌شود؛ مانند:

۷. کنفرانس عمومی یونسکو

در یازدهمین اجلاسیه خود از ۱۴ نوامبر تا ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰ در پاریس که از این موارد مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ و قرارداد مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات از ضمانت اجرای بین‌المللی برخوردار است و جاری و ساری.

بزرگ‌ترین دغدغه مجامع جهانی در مورد وضعیت زنان، «تبعیض» و نابرابری زنان و

مردان است. بر اساس تحقیقات بین‌المللی، در ۱۳۲ کشور جهان بین جنس مرد و زن تبعیض‌های عمیقی وجود دارد که این امر در ۵۱ کشور جهان بسیار فاحش است و در کشورهای افغانستان و پاکستان ظرف مدت ۱۰ سال گذشته بیش‌ترین تبعیض علیه زنان اعمال شده که با ظهور طالبان در افغانستان این مسأله تشدید شده است (روزنامه خراسان، ۱۳۷۸: ۱۴۴۱۹). از کشورهای اسلامی، طبق تحقیقات بین‌المللی، کشورهای ایران، عربستان و لبنان از جمله کشورهایی هستند که تلاش چشم‌گیری را برای رفع تبعیض علیه زنان انجام داده‌اند (روزنامه خراسان، ۱۳۷۸: ۱۴۴۱۹).

طبق گزارش یونسکو در سال ۱۳۵۳ در همه سطوح آموزش در کلیه کشورها، اعم از پیشرفته یا در حال رشد، زنان عقب‌تر از مردان هستند؛ مثلاً از ۸۰۰ میلیون بی‌سواد در دنیا، اکثریت را زنان تشکیل می‌دهند و نسبت آن‌ها در بعضی از مناطق به ۸۰ تا ۸۵ درصد بی‌سوادان می‌رسد. از لحاظ مالی نیز کار بیوه‌زنان یا زنان جدانشده خود مسؤول زندگی عده دیگری مثلاً کودکان خویش هستند؛ ولی به علت نداشتن مهارت و کمبود آموزش، قادر نیستند شغل مناسبی به دست آورند (مجله حقوق بشر، ۱۳۵۳: ۶۱).

در قطع‌نامه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، آمده است که تبعیض علیه نسوان مغایر با اصل برابری و احترام به کرامت انسانی و مانع تمتع انسان از تساوی حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و قصد خود را مبنی بر محو این تبعیض اعلام کردند. این کنوانسیون، محکومیت تبعیض و تقبل به امحای آن توسط تمامی وسایل مناسب بدون فوت وقت، تضمین توسعه پیشبرد تمتع زنان از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از طریق اتخاذ معیارهای مناسب، تضمین ممنوعیت اعمال اولویت برحسب جنس و تضمین اتخاذ معیارهای مناسب جهت جلوگیری از قاچاق و فساد زنان عنوان شده‌اند.

هم‌چنین در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد ذکر شده: «اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل عدم تبعیض را تأیید نموده و اعلام داشته است که کلیه افراد بشر، آزاد

به دنیا آمده‌اند و دارای شأن و مقام و حقوق یک‌سان می‌باشند» (اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸: مقدمه). همین‌طور در اعلامیه کنفرانس حقوق بین‌المللی بشر، مصوب ۱۹۶۸ تهران آمده است: «تبعیضی که زنان هم‌چنان در مناطق مختلف جهان قربانی‌اند، باید از بین برود. منزلت مادون برای زنان قابل‌شدن مغایر منشور ملل متحد و نیز موازین اعلامیه زنان از الزامات حتمی پیشرفت انسان است» (اعلامیه کنفرانس حقوق بین‌المللی بشر، ۱۹۶۸: ۱۵).

در ماده ۲ کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأکید شده است: «دول عضو تبعیضات علیه زنان را به هر شکلی محکوم کرده و موافقت می‌نمایند بدون درنگ و به طرق مقتضی، سیاست رفع تبعیضات علیه زنان در پیش گرفته شود و بدین منظور در موارد مسائل زیر تعهد می‌نمایند: ... (ب) اعمال تحریم در صورت اقتضا به منظور جلوگیری از به‌کاربردن تبعیضات علیه زنان، رفع تبعیضات علیه زنان در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور، رفع تبعیضات در زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی و همین اعلامیه اظهار می‌دارد: توسعه و پیشرفت کامل یک کشور هم‌چنین رفاه گیتی و صلح جهانی، بستگی به شرکت کامل زنان و مردان در کلیه شؤون دارد و در تبعیض علیه زن با شأن و مقام افراد بشر و هم‌چنین با رفاه خانواده و جامعه ناسازگار بوده و از شرکت آنان به‌طور مساوی با مردان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای خود جلوگیری می‌نماید و مانع بزرگی برای شگفته‌شدن کمال استعدادهای نهانی زنان در زمینه خدمت به کشورهای خود و هم‌چنین بشریت به‌شمار می‌رود.

در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بر اساس آخرین آمار منتشره از سوی سازمان ملل متحد تا اوایل فوریه سال ۱۹۹۵، مجموعاً حدود ۱۳۹ دولت پیوسته‌اند و تعداد ۷ دولت فقط آن را امضا کرده ولی هنوز به تصویب مراجع قانونی ذی‌صلاح خود نرسانده که از آن جمله کشور افغانستان است که فقط مرحله امضا را گذرانده است و از مجموع ۵۱ کشور اسلامی (عضو سازمان کنفرانس اسلامی)، حدود ۲۸ کشور به این کنوانسیون پیوسته‌اند (حقوق بشر در اسناد بین‌المللی).

۸. کنوانسیون رفع تبعیضات علیه زنان

مصوب ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که تبعیض را چنین تعریف کرده است: «واژه تبعیضات علیه زنان در این کنوانسیون به معنای قائل شدن هرگونه وجه تمایز، قائل شدن استثنا یا محدودیتی بر اساس جنسیت که به رسمیت شناختن آزادی‌های اساسی زنان، حق بهره‌وری و رعایت حقوق بشر در مورد آن‌ها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی و سایر موارد بدون توجه به وضعیت تأهل آن‌ها مساوات حقوق زن و مرد خلل و آسیب وارد آورد.» یا تعریفی که از تبعیض در مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ مربوط به تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال مصوب مورخه ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸^۱ شده است، در ماده ۱ آن مقاله‌نامه چنین ذکر شده است: م ۱ بند ۱ این مقاله‌نامه، تبعیض عبارت است از: «الف) هرگونه تفاوت محرومیت یا تقدم که بر پایه نژاد، رنگ پوست، جنسیت... برقرار بوده و در امور مربوط به استخدام و اشتغال تساوی احتمال موفقیت و رعایت مساوات در شرایط سلوک رفتار با کارگر را به کلی از میان برده و یا بدان لطمه وارد سازد. ب) هرگونه تفاوت دیگر یا محرومیت و یا تقدم که نتیجه آن از میان بردن یا محدودیت تساوی احتمال موفقیت و شرایط سلوک رفتار با کارگران باشد و پس از استماع نظریه سازمان‌های کارگری کارفرمایی ذی‌نفع از طرف مقامات صلاحیت‌دار به این عنوان شناخته و معرفی گردد (مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ مربوط به تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال، ۱۹۵۸: ۱، بند ۱).

البته در مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ مربوط به تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال، مصوب مورخه ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸ گفته شده است که «تفاوت یا محرومیت یا حق تقدمی که بر پایه صلاحیت حرفه‌ای جهت اشتغال به حرفه معینی لازم شناخته شده باشد، تبعیض محسوب نخواهد شد» (مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ مربوط به تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال، ۱۹۵۸: ۱، بند ۲).

تعریف دیگر از تبعیض در قرارداد مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات که کنفرانس عمومی

۱. این مقاله‌نامه را کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار بنا به دعوت هیأت مدیره دفتر بین‌المللی کار در چهل و دومین دوره اجلاس خود در ژنو تصویب کرد.

یونسکو در یازدهمین اجلاس^{۱۴} خود از ۱۴ نوامبر تا ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰ پاریس ارائه داده، چنین است: «الف) در این قرارداد لفظ تبعیض شامل هرگونه وجه تمایز خاص، محرومیت، تجدید و یا ترجیحی است که بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان موضوع و یا نتیجه آن از میان‌بردن تساوی رفتار نسبت به افراد در برخورداری از تعلیمات یا تحریف آن و به‌خصوص موارد مذکور در زیر باشند:

۱. محروم کردن یک شخص یا یک گروه از دسترسی به انواع یا درجات مختلف تعلیمات؛
۲. محدود کردن تعلیم و تربیت یک شخص یا یک گروه به حد پایین‌تری؛
۳. ایجاد و حفظ روش‌ها با مؤسسات تعلیماتی جداگانه برای اشخاص و گروه‌ها؛
۴. قراردادن شخص یا گروه در وضعی که مغایر با شئون انسانی باشد» (قرار داد مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات، ۱۹۶۰: ۱).

به هر حال، تبعیض به لحاظ تفاوت جنسیت، چه در عواملی یعنی جنسیت پرستی باشد و یا تفاوت‌ها و محدودیت‌های جنسیتی باشد، در برخورداری از حق مدنی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، یکی از موانع ارتقا و رشد زنان محسوب می‌شود و موضوع لاینحل ملت‌ها است. بد نیست شرح حال دختر ۱۴ ساله‌ای را بشنویم که در «راهنمای آموزشی در باره سازمان، ملل آمده است: «نام من مایاست. من ۱۴ سال پیش در خانواده یک کشاورز فقیر به دنیا آمدم. قبل از من بچه‌های زیادی بودند؛ به این دلیل برای تولد کسی خوشحال نشد. وقتی هنوز خیلی کوچک بودم، یاد گرفتم با انجام کارهای خانه به مادر و خواهرانم کمک کنم. جارو می‌زدم؛ لباس می‌شستم و آب و هیزم می‌آوردم. بعضی از دوستانم بیرون از خانه بازی می‌کردند؛ اما من نمی‌توانستم بازی کنم. وقتی اجازه یافتم به مدرسه بروم، خیلی خوشحال شدم. در آن‌جا دوستان تازه یافتم و خواندن و نوشتن یاد گرفتم؛ اما وقتی به کلاس چهارم رفتم، والدینم جلوی درسم را گرفتند. پدرم گفت پول ادامه تحصیل مرا ندارد. برای کمک به مادر و دیگران در خانه به من احتیاج داشتند. اگر پسر بودم، والدینم اجازه می‌دادند درسم را تمام کنم. دو تا از برادران کوچک‌ترم به مدرسه می‌روند. آن‌ها هم شاید درس‌شان

را تمام نکنند» (دیوید بارز و ماراجافگین، ۱۳۷۵: ۳۲).

با توجه به این که تبعیضات هم‌چنان یکی از مشکلات دست و پاگیر زنان، برای نیل به زندگی طبیعی و انسانی است، راه بیرون‌رفت از این مشکلات را سازمان ملل متحد چنین پیشنهاد کرده است: «تمام کشورهای عضو سازمان ملل باید به شهروندان خود اجازه بدهند حقوق خود را بشناسند و راه به‌دست آوردن آن‌ها را یاد بگیرند. شناختن حقوق، یک قدم در جهت غلبه بر تبعیض است» (دیوید بارز و ماراجافگین، ۱۳۷۵: ۳۲). تبعیض زنان ممکن است مصادیق گوناگونی داشته باشد: کار، بهداشت، تغذیه، آموزش و پرورش، نقش‌های خانوادگی و سیاست و امور سیاسی.

امروزه زنان یک سوم مجموع نیروی کار را تشکیل می‌دهند. این، شامل کار بی‌مزد در کشاورزی، خانه‌داری و مراقبت از اعضای خانواده نمی‌باشد. اگر تمام کارهای با مزد و بی‌مزد در نظر گرفته شوند، ساعات کار زنان بیش‌تر از مردان است. جز در امریکای شمالی و استرالیا که ساعات کار زنان و مردان تقریباً برابر است، به‌طور متوسط حقوق زنان در سراسر جهان ۳۰ تا ۴۰٪ کم‌تر از مردان است (دیوید بارز و ماراجافگین، ۱۳۷۵: ۳۲).

طبق آمار سازمان ملل متحد، زنان امروز نماینده حداقل ۶۰٪ از یک میلیارد نفر جمعیت فقیر روستایی هستند. این رقم که طی ۲۰ سال گذشته دو برابر شده است. برحسب آمار صندوق جمعیت سازمان ملل، زنان تقریباً نصف جمعیت مهاجر دنیا را تشکیل می‌دهند. زنان هم‌چنین برای انجام کار مشابه دستمزد کم‌تر می‌گیرند و فشار سوء تغذیه و بیماری‌هایی مانند ایدز را تحمل می‌کنند (دیوید بارز و ماراجافگین، ۱۳۷۵: ۳۲).

در جوامع بسیاری، یافتن و حمل هیزم مورد نیاز خانواده به عهده زن است. برای چهارپایان و خانواده علوفه و غذا پیدا می‌کنند و از علف‌ها و گیاهان، دارو و وسایل دیگر می‌سازند؛ مثلاً در نیپال زنان و دختران ۸۴٪ تمام هیزم‌ها را جمع‌آوری می‌کنند. در جاهای دیگر، زنان ممکن است به‌طور متوسط ۳ تا ۵ ساعت را صرف جمع‌آوری و حمل سوخت کنند. آن‌ها این کار را فقط برای آشپزی می‌کنند، آب آشامیدنی باید جوشانده شود، حشرات را می‌توان با دود دور

کرد، برای ساختن رنگ و استخراج داروی طبیعی از برگ و پوست درختان، آب جوش لازم است و آتش وسیلهٔ روشنایی در شب است (دیوید بارز و ماراجافگین، ۱۳۷۵: ۳۲).

در خصوص تغذیه، احتمال سوء تغذیهٔ دختران در کشورهای در حال رشد بیش از چهار برابر پسران است. تحقیق در یک کشور آسیایی نشان داد که پسرهای زیر ۵ سال ۱۶٪ بیش‌تر از دختران غذا دریافت می‌کنند. احتمال گرسنگی و رنج بیش‌تر دختران در مواقع قحطی نیز بیش‌تر از پسران است (دیوید بارز و ماراجافگین، ۱۳۷۵: ۳۲).

از جهت آموزش و پرورش نیز زنان وضعیت نابرابری دارند. طبق گزارش سازمان ملل متحد، در مقابل هر سه زن بی‌سواد در جهان دو مرد بی‌سواد وجود دارد (دیوید بارز و ماراجافگین، ۱۳۷۵: ۳۲).

از لحاظ سرپرستی و نقش‌های خانوادگی: سرپرستی یک سوم خانواده‌های جهان به عهدهٔ زنان است. در حوزهٔ کارایی این نسبت تا ۵۰٪ می‌رسد و در مسائل سیاست و امور سیاسی تنها ۴/۱٪ وزیران دولت‌های جهان در سال ۱۹۹۰ زن بودند و ۷۷ کشور اصلاً وزیر زن نداشتند. رئیس دولت یا رئیس کشور تنها هشت کشور از ۱۵۹ عضو سازمان ملل متحد در اوت ۱۹۹۱ زن بودند (دیوید بارز و ماراجافگین، ۱۳۷۵: ۳۲).

تا کنون تلاش‌های همه‌جانبه‌ای از سوی نهاد عمدهٔ بین‌المللی؛ یعنی سازمان ملل متحد و ارگان‌های تابعه، در جهت ارتقای زنان و احقاق حقوق مسلم آنان صورت گرفته است و این نشان‌گر موقعیت روشن برای زنان در سطح دنیا است؛ اما در این‌جا جایگاه زنان کشور ما افغانستان در کجا قرار دارد؟ هنوز در پردهٔ ابهام قرار دارد.

به بیان دیگر، با این همه تلاش‌های همه‌جانبهٔ جامعهٔ جهانی برای محو خشونت علیه زنان اما خشونت علیه زنان به‌طور گسترده و فراوان در سطح جهان و در بین جوامع گوناگون موجود است. موجودیت خشونت را در این‌جا به‌طور نمونه به شرح زیر یادآور می‌شوم.

یکی از موضوعات مهم و قابل توجه و در عین حال مبتلا به، «مسألهٔ خشونت علیه زنان»

است. در جریان تحقیق به دست آمد که خشونت علیه زنان در تمام جهان گسترده است؛ به طور مثال: «بر اساس آمار جهانی، ۹۰ درصد از قربانیان خشونت خانگی زنان و حدود ۱۰ درصد مردان هستند و زنان خانواده صورت می گیرند؟ ۳. آمار خودکشی در زنان دو برابر مردان است و زنان مجرد کم تر از مردان مجرد دست به خودکشی می زنند و بالعکس خودکشی در میان زنان متأهل بیش از خودکشی مردان متأهل است. ۴. در هر ۱۸ ثانیه در سطح جهان، یک زن می میرد. ۵. بر اساس آمار بهداشت جهانی، در هر ۱۸ ثانیه، یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می گیرد. ۶. در نزدیک به ۵۰ پیمایش در تمام نقاط جهان، ۱۰ تا ۵۰ درصد از زنان به نحوی از انحا مورد بدرفتاری فیزیکی همسران شان واقع شده اند و در نزدیک به یک سوم تا نیمی از موارد، بدرفتاری فیزیکی با خشونت روانی همراه بوده است» (مجله الکترونیکی، ۱۳۹۵ vista.ir).

۹. قطع نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد در مورد زنان، صلح و امنیت

قطع نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد در مورد زنان، صلح و امنیت^۱ در ۳۱ اکتوبر سال ۲۰۰۰ میلادی توسط شورای امنیت به تصویب رسیده است. این قطع نامه یک چارچوب حقوقی است که نه تنها اثرات جنگ بالای زنان مورد توجه قرار گرفته است؛ بلکه ایفای نقش سازنده زنان در مدیریت بحران، حل بحران و صلح پایدار واضح گردیده است.

افغانستان برای اولین بار روی برنامه عمل ملی برای تطبیق قطع نامه مذکور مبادرت ورزیده و این قطع نامه در سال ۲۰۱۵ میلادی از طرف دولت افغانستان تصویب و عملاً مورد تطبیق قرار می گیرد.

۱۰. کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان

پس از سالها تلاش در سازمان ملل متحد در مورد وضعیت زنان و ارتقای حقوق آنان و صدور چند اعلامیه و قطع نامه در این زمینه، سرانجام طرح مقاوله نامه منع تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۰ در دستور کار کمیسیون مقام زن قرار گرفت و سپس در برنامه دهه ملل

1. UNSCR.

متحد برای زنان توسط کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زنان مطرح شد. کمیسیون مقام زن تا سال ۱۹۷۶ مقاله‌نامه را تکمیل نمود و از شورای اقتصادی و اجتماعی خواست تا آن را به مجمع عمومی تقدیم نماید. طرح مقاله‌نامه توسط گروه کاری کمیته سوم مجمع عمومی مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطع‌نامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و پس از امضا و الحاق ۲۰ کشور، در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ قدرت اجرایی پیدا کرد. این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده است.

در این کنوانسیون به اصل تساوی بین زن و مرد، محو تبعیض، حمایت قانونی از حقوق زنان، خودداری از هرگونه عملی علیه زنان، تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات و روش‌هایی که مبتنی بر آرمان طرز فکر پست‌نگری یا برترنگری جنسیت و یا نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان می‌باشد، جلوگیری از سوءاستفاده از زنان و استعمار آنان، حق شرکت در کلیه انتخابات و همه‌پرسی‌های عمومی و واجد صلاحیت بودن زنان برای انتخاب شدن در تمام ارگان‌های منتخب مردمی، حق شرکت در تغییر سیاست دولت و اجرای آن و دایر نمودن دوایر دولتی، حق شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیر دولتی، حقوق مساوی با مردان در مورد کسب، تغییر یا حفظ ملیت، تساوی حقوق با مردان در زمینه آموزش و پرورش، زمینه شغلی جهت مدارک تحصیلی و آموزشی، تساوی حقوق زنان و مردان در زمینه شغلی، حرفه و فن، دستمزد، مزایای اجتماعی مثل بازنشستگی و مرخصی و تساوی با مردان در مسائل مدنی و اهلیت، اشاره شده است.

میثاق منع تمام اشکال تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ توسط اجلاس عمومی ملل متحد به تصویب رسید و در مارچ ۲۰۰۳ میلادی مورد تصویب دولت افغانستان قرار گرفت. در قسمت اول و بند اول این میثاق چنین ذکر گردیده است: «تبعیض علیه زنان به معنای اعمال هر نوع تمایز، محرومیت و محدودیتی که به اساس جنس صورت گیرد و باعث سلب هویت، خوشی‌ها و اجراءات زنان، صرف نظر از حالت مدنی آن‌ها و بر بنیاد تساوی زنان و مردان، حقوق بشر و قاعده آزادی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و سایر عرصه‌ها گردد» (میثاق بین‌المللی منع خشونت علیه زنان، ۱۹۷۹: ۱).

شماری از مهم‌ترین اسنادی که افغانستان به آن‌ها پیوسته است، عبارت‌اند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون محو اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اعلامیه محو خشونت علیه زنان، کنوانسیون منع شکنجه و سایر مجازات و برخورد‌های ظالمانه و تحقیرآمیز و کنوانسیون حقوق اطفال.

این اسناد اظهار می‌دارند که هدف از این اسناد، حمایت از حقوق زنان و منع تبعیض و خشونت علیه زنان است؛ مثلاً کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان بر رفع تبعیض علیه زنان و اتخاذ تدابیر برای حمایت از حقوق آنان و تأمین برابری زنان با مردان و رفع خشونت علیه زن تأکید کرده است. این مسائل نوعی تکلیف قانونی دولت‌های عضو عنوان گردیده است. این کنوانسیون اظهار می‌دارد: «دولت‌ها هرگونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده موافقت می‌نمایند که بدون درنگ، سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و با این هدف، موارد زیر را متعهد می‌شوند:

الف) گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوط هر کشور، چنانچه تاکنون منظور نشده باشد و تضمین تحقق عملی این اصل به وسیله وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر؛^{۱۳۵}

ب) تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر از جمله مجازات در صورت اقتضاء به منظور رفع تبعیض از زنان؛

ج) برقراری حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعیض‌آمیز از طریق مراجع قضایی ذی صلاح ملی و سایر مؤسسات دولتی.

۱۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ شمسی) مجمع

عمومی سازمان ملل متحد اظهار می‌دارد: «آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهند. از آن‌جا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به‌عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است. از آن‌جا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به‌عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد.

۱۲. اعلامیه محو خشونت علیه زنان

اعلامیه محو خشونت علیه زنان قطع‌نامه شماره ۸۴-۱۰۴، مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی ملل متحد اعلام کرده است: «به مقصد این اعلامیه، اصطلاح (خشونت علیه زنان) به معنای هر عمل خشونت‌آمیز به اساس جنسیت است که منتج یا در حدود منتج شدن به آسیب فیزیکی، جنسی یا روانی و رنجش یا مشکلات زنان شود، به شمول تهدیدات چنین اعمال، اجباری یا استبدادی، محروم کردن از آزادی، هرگاه در زندگی عامه یا شخصی واقع گردد» (اعلامیه محو خشونت علیه زنان، قطع‌نامه شماره ۸۴-۱۰۴، ۱۹۹۳: ۱).

۱۳. کنوانسیون حقوق مدنی سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، در مقدمه‌اش اظهار می‌دارد که با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، نظر به این‌که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره‌مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهایی از ترس می‌باشد و دستیابی به این شرایط فقط به وسیله بهره‌مندی هرکس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است. با توجه به منشور ملل متحد، دولت‌ها متعهد به رعایت و احترام به حقوق و آزادی‌های انسان و ترویج آن‌ها در سراسر جهان می‌باشند. با درک این حقیقت که

افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسؤولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته‌شده مندرج در این میثاق می‌باشند، دولت‌های عضو این میثاق با مواد زیر موافقت می‌کنند» (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۹۳: مقدمه).

البته لازم است گفته شود که به غیر از این مواردی که گفته شد، اسناد دیگری نیز هستند که برای جلوگیری از اطاله سخن فقط نام برده می‌شوند:

۱. کمیسیون حقوق بشر اسلامی؛
۲. مقاله‌نامه بین‌المللی راجع به تأمین حمایت مؤثری علیه جنایت‌کاران موسوم به «خرید و فروش سفیدپوستان» امضا شده در پاریس مورخ ۱۲ مه ۱۹۰۴؛
۳. قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان مورخ ۴ مه ۱۹۱۰؛
۴. قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است مورخ ۱۹۲۶؛
۵. مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ مربوط به «تبعیض در امور مربوط به اشتغال و مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸؛
۶. قرارداد مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات؛
۷. کنوانسیون مربوط به تابعیت زنان متأهل منعقد در ۲۹ ژانویه ۱۹۵۷؛
۸. میثاق منع تمام اشکال تبعیض علیه زنان؛
۹. کمیسیون وضعیت زنان عرب.

منابع

۱. UNAMA و OHCHR (۲۰۰۹). «خاموشی خشونت: به بدرفتاری علیه زنان در افغانستان خاتمه دهید» کابل.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد.
۳. اعلامیه کنفرانس حقوق بین‌المللی بشر (۱۹۶۸)، تهران.
۴. اعلامیه محو خشونت علیه زنان. قطع‌نامه شماره ۸۴/۱۰۴. مصوب سازمان ملل متحد.
۵. اعلامیه محو خشونت علیه زنان قطع‌نامه شماره ۸۴-۱۰۴. مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی ملل متحد، ماده ۱.
۶. افشار نادری، افسر (۱۹۹۳)، «تعریف خشونت و تبعیض علیه زنان طبق اعلامیه ۱۹۹۳ سازمان ملل متحد»، انسان‌شناسی و فرهنگ، تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۱۴. آدرس: <http://anthropology.ir/node/10670>.
۷. افشار نادری، افسر (۱۳۹۵)، «تعریف خشونت و تبعیض علیه زنان طبق اعلامیه ۱۹۹۳ سازمان ملل متحد»، انسان‌شناسی و فرهنگ، تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۱۴. آدرس: <http://anthropology.ir/node/10670>.
۸. آقایی، بهمن (۱۳۷۶)، فرهنگ حقوق بشر، تهران، گنج دانش.
۹. بارز، دیوید؛ ماراجافگین (۱۳۷۵)، راهنمای آموزش در باره سازمان ملل متحد (۱۳۷۵)، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.
۱۰. حبیب‌زاده، محمدهاشم (۱۳۹۲)، «خشونت علیه زنان در افغانستان فاجعه‌بار شده است»، رادیو آشنا، آدرس: <http://www.darivva.com/a/violence-against-women-increased/1632811.html>.
۱۱. حقوق بشر در اسناد بین‌المللی.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا)، «خشونت»، لغت‌نامه دهخدا، تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۱۴. منبع: <https://www.vajehyab.com/dehkhoda>.
۱۳. رادیو آزادی (۱۳۹۸)، «خشونت علیه زنان»، تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۱۴، وبسایت رادیو آزادی: <http://da.azadiradio.com/a/2085843.html>.
۱۴. رادیو زمانه (۱۳۹۵)، «هر ثانیه یک دختر زیر ۱۵ سال ازدواج می‌کند»، تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۲۳. آدرس: <https://www.radiozamaneh.com/302741>.
۱۵. روزنامه خراسان، شماره ۱۴۴۱۹، خرداد ۱۳۷۸، مشهد.
۱۶. ساعت ۲۴ (۱۳۹۳)، «آمار تکان‌دهنده سازمان ملل در باره افزایش خشونت در جهان»، تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۱۴. آدرس: <http://www.saat24.com/news/37233>.
۱۷. سلامت‌نیوز (۱۳۹۵)، «مرگ سالانه ۴۰۰۰ زن بر اثر خشونت خانگی در جهان»، تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۱۳. آدرس: <http://www.salamatnews.com/news/194269>.
۱۸. سمیعی، ژیل (۱۳۹۲)، «میلیون‌ها زن در جهان، قربانی انواع خشونت‌هاست». تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۱۴.

آدرس: <http://www.darivoo.com/a/women-anti-violence-day/1796790.html>

۱۹. قانون منع خشونت علیه زن، ماده پنجم.
۲۰. قرارداد بین‌المللی جلوگیری از معامله زنان کبیره، جامعه ملل، ماده ۱۳.
۲۱. قرارداد مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات (۱۹۶۰).
۲۲. مجله الکترونیکی (۱۳۹۵)، «آمار جهانی خشونت علیه زنان»، تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۷/۱۴. آدرس: <http://vista.ir/article/306115>
۲۳. مجله حقوق بشر (۱۳۵۳)، شماره ۱۵۴، تیر ۱۳۵۳، تهران.
۲۴. مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ مربوط به تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال (۱۹۵۸)، ماده ۱، بند ۱.
۲۵. مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ ۱۴، تهران، نشر مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۶. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، مصوب ۶۲ دسامبر ۱۹۶۶، مقدمه.
۲۷. میثاق بین‌المللی منع خشونت علیه زنان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۷۹، ماده ۱.



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴